

علی شادکام؛ مجید کیانی، نامی آشنا در موسیقی ایرانی است. یکی از چهره‌های تأثیر گذار در موسیقی ایران؛ نوازنده‌ای که نامش با ساز سنتور و با موسیقی ردیف و سنتورنوازی او در امتداد سبک و شیوه سنتورنوازی، با گذشته سنتور پیوند خورده است. وقتی کارنامه هنری او را مرور می‌کنیم با فهرست بلندی از کنسرت‌ها، سخنرانی‌ها، مقالات، مصاحبه‌ها، کتاب‌ها و آلبوم‌های تک‌نوازی روبه‌رو می‌شویم که هم در ایران و هم در خارج از ایران از او چهره‌ای شناخته‌شده ساخته است. با وجود ایسن‌اما به‌ندرت می‌توان این آثار را در بازار پیدا کرد و به‌ندرت خبری درخصوص کنسرت‌های او منتشر می‌شود. «هنر تک‌نوازی موسیقی دستگاهی ایران» عنوان مجموعه‌ای از کنسرت‌های ایشان است که دو قسمت از چهار قسمت آن اجرا، سال گذشته اجرا شده و قراراست روز پنجشنبه ۹ خرداد، سومین قسمت از این مجموعه اجراها در سالن «ایران» فرهنگستان هنر برگزار شود. همین بهانه‌ای بود که با ایشان به‌گفت‌وگوینشینیم.

✎ **باخبر شدیم که شما در آینده نزدیک کنسرتی برگزار خواهید کرد…**

بله‌اوسومین برنامه‌از مجموعه چهار قسمتی «هنر تک‌نوازی موسیقی دستگاهی ایران» **با توجه به اجراهایی که تاکنون داشته‌اید آیا این برنامه هم به صورت یک کنسرت پژوهشی برگزار خواهد شد؟**

نه!این برنامه یک برنامه پژوهشی نیست و صرفاً به اجرای موسیقی اختصاص دارد. اجرای کنسرت به صورتی که با توضیح همراه باشد در کشورهای دیگر هم رایج است. به این صورت که نوازنده توضیحاتی پیرامون موسیقی مورد اجرا ارایه می‌کند. بیشتر برنامه‌های من به این صورت بوده، اما این‌بار سخنرانی ندارم. در واقع این برنامه یک رسیال ستودنی است که در آن موسیقی دستگاهی ایران اجرا می‌شود.

✎ **ممکن است کمی در فرجه‌های مشخصات این برنامه توضیح بفرمایید؟**

البته مشابه این برنامه را قبلاً هم اجرا کرده‌ام. ما در این مجموعه چهار قسمتی یک پروژه خاص برای اجرای موسیقی در نظر گرفتیم.ف در این برنامه‌ها شهرام کیانی هم نوازندگی ضرب را بر عهده دارد.

✎ **چه قطعاتی را برای این اجراها در نظر دارید؟**

به طور کلی در ابتدای هر دستگاه یک پیش‌درآمد قرار دارد و پس از اجرای یکی دو گوشه، چهار مضراب اجرا می‌شود و پس از چهار مضراب هم گوشه‌هایی اجرا می‌شوند که اجرای آنها به صورت بناهه است و در همان زمان اجرا و روی صحنه انتخاب می‌شوند. سپس تصنیف اجرا می‌شود که در این اجراها فقط آهنگ تصنیف‌ها بدون کلام نواخته خواهد شد. در پایان هم معمولاً رنگ قرار دارد. در واقع در اینگونه برنامه‌ها قطعات به صورت حفظ‌شده اجرا می‌شوند و به طور مشخص باید گفت آنچه در هنر تک‌نوازی موسیقی ایران توسط نوازندگان حفظ شده و اجرا می‌شود نه آهنگ‌ها بلکه انگارهای تشکیل‌دهنده موسیقی هستند که در لحظه اجرا نوازنده به‌طور فی‌البدها از بین انگارهای موسیقی که در ذهن دارد دست به انتخاب می‌زند و در هر اجرا چندمان تارهای از این انگارها را رایه می‌دهد. در واقع با نوعی از آهنگسازی سروکار داریم که به صورت فی‌البدها و از طریق اجرا و بسط‌دادن انگارهای تشکیل‌دهنده موسیقی ایرانی انجام می‌شود.اگر بخواهیم از واژه‌های بین‌المللی استفاده کنیم باید بگوییم این اجراها تا حدی شبیه به رسیال در موسیقی کلاسیک هستند که قطعات آن از پیش توسط نوازنده، حفظ شده و روی صحنه اجرا می‌شوند.

✎ **پس از هم‌کنار مشخص است که چه دستگاه‌ها و قطعاتی را در این برنامه‌ها اجرا خواهید کرد…**

بله‌برای هر اجرا که برنامه در مدت زمانی در حدود دو ساعت ارایه می‌شود، چهار قسمت را در نظر گرفتیم.در هر قسمت حدود ۲۰دقیقه‌اجرا خواهیم داشت و بین قسمت‌های سوم و چهارم یک استراحت ۲۰دقیقه‌ای در نظر گرفته شده است. تمامی دستگاه‌ها و آوازهای موسیقی دستگاهی ایران که در واقع شامل ۱۲مقام هستند، طی این چهار برنامه ارایه می‌شوند. در واقع می‌توان گفت برای این مجموعه‌ای به صورت ردیف در این برنامه‌ها ارایه شود اما نوعی از اجرای ردیف که به قول آقای دوامی، ردیف مجلسی نام دارد.

✎ **پس این نوع از اجرای ردیف در گذشته هم وجود داشته است…**

وقتی به اجراهای استادانی مثل آقاحسینقلی، درویش خان، علی‌اکبرخان شهنازی یا حبیب سماعی نگاه می‌کنم می‌بینم آنها همیشه ردیف را توام با قطعات ضربی می‌نواختند. آنچه به عنوان ردیف از استادانی چون یوسف فروتن و سعید هرمزی در

مجید کیانی در آستانه کنسرتاش در تهران:

نوازنده‌ای شرقی هستیم



علی‌شادکام

اختیار داریم نیز به همین صورت نواخته شده است. پیش در آمد، چهار مضراب، تصنیف و رنگ در اجرای آنها از ردیف وجود دارد. مثلا آقایی هرمزی یکی از تصنیف‌های ساخته‌شده توسط مرتضی خان نیاپود را به‌عنوان پیش‌درآمد در آغاز آواز اصفهان نواخته‌اند و پس از آن هم گوشه‌ها به صورت بناهه نواخته شده‌اند. من نیز می‌خواستم این تجربه را داشته باشم و ببینیم که ما چگونه در این زمان می‌توانیم به این صورت موسیقی ردیف دستگاهی را ارایه کنیم و اینکه مخاطب چگونه می‌تواند با این نوع از ارایه موسیقی دستگاهی ارتباط برقرار نماید.

✎ **چه دستگاه‌هایی را برای اجرا در این کنسرت در نظر دارید؟**

سه‌گاه، چهار‌گاه و ماهور.

✎ **آیا این نحو از اجرا را برای اولین‌بار از شما شاهد هستیم؟**

البته در گذشته و در خارج از ایران مشابه این برنامه را داشته‌ام اما در ایران اولین‌بار است که به این صورت، موسیقی دستگاهی را ارایه می‌کنم.

✎ **اجراهای خارج از ایران هم به همین اندازه مفصل بوده‌اند؟**

نه!فقط در هر برنامه یا اجرا، سه- چهار قطعه اجرا کرده‌ام. آن زمان به این صورت اجراها را نیز خوب تجربه‌م‌کردم.

✎ **چرا به این صورت تاکنون در ایران اجرا نداشته‌اید؟ شما کنسرت‌های فراوانی در ایران برگزار کرده‌اید…**

مخاطب ایرانی خیلی مایل به شنیدن ساز تنها نیست. بیشتر مخاطبان در ایران مایل هستند اجرای موسیقی را به صورت گروه‌نوازی و با قطعات از پیش ساخته‌شده و تنظیم‌شده همراه با صدای خواننده بشنوند. برنامه‌هایی مثل آنچه قرار است اجرا کنم، از نوع موسیقی کلاسیک ایرانی است که مخاطب خاص خود را دارد. مخاطب چنین برنامه‌هایی از قبل می‌داند که در چه نوع کنسرتی حاضر می‌شود. به همین دلیل به نظر من برای تک‌نوازی باید سالن کوچکی در نظر گرفته شود. در اولین قسمت از این مجموعه، من سالن مهر حوزه هنری را انتخاب کردم که سالن کوچکی است و حدود ۳۰ نفر ظرفیت دارد و می‌توان بدون دستگاه‌های صوتی در آن موسیقی اجرا کرد.

✎ **یعنی در اجرا از میکروفن و دستگاه‌های تقویت و پخش صدا استفاده نکردید؟**

همینطوراست.

✎ **چرا؟**

برای اینکه مخاطب بتواند بهتر با موسیقی ارتباط برقرار کند. اجرای موسیقی دستگاهی ایران به صورت تک‌نوازی در سالن‌های بزرگ خیلی خوب از آب در نمی‌آید. مخاطب باید از نظر تعداد کم باشد. حداکثر ۱۵۰ نفر.

✎ **اگر تعداد علاقه‌مندان حضور در این برنامه‌ها بیش از این باشد چطور؟** خوشبختانه آنقدرها هم از این نوع برنامه‌ها استقبال نمی‌شود!

✎ **اما سالن «ایران» فرهنگستان هنر خیلی هم کوچک نیست!**

راوی افسانه‌های بازار

فقط نام دو قطب اقتصادی را بر زبان نمی‌آوریم. کسی که در بازار زندگی می‌کند خوش‌مشربی و سرروقت بودن و نظم در کارش است. شما هم اصالتاً چون بازاری بودهاید این رویه را حفظ کرده‌اید. روجهی‌ای که الان دیگر وجود ندارد و تقریباً از بین رفته. الان زرق و برق‌هایی ما را مشغول خود می‌کند. کمتر به خودمان رجوع می‌کنیم. بیشتر میزبوی دنیا می‌شد و مظاهر زندگی مدرن هستیم. طبیعتاً فردی مانند شما در این فضا، به خلوت و سکوت بنام می‌برد. اما این سکوت و انزوا تا کی ادامه خواهد داشت؟

به‌نظر شما چه باید کنیم؟ با این موقعیت و وضع، هر‌جا می‌روم چند نفر دورم جمع می‌شوند. بعد به من می‌گویند چرا جمعیت را دورت جمع کرده‌ای؟ به من گفته می‌شود که ممنوع‌الصدا هستیم و اجازه ارایه دادن کارت ویزیت ندارم.

✎ **رسم‌اعلام‌شده که ممنوع‌الصدا هستیم؟**

خیر.

✎ **یعنی به شما نام‌های در این زمینه داده نشده است؟**

مگر این کار را می‌کنند؟

✎ **به‌بعضی‌ها رس‌ما اعلام می‌کنند که ممنوع‌الصدا هستند…**

خیر. من که واقعا خواهان هستم این کار را نکنند. فقط می‌گویند یک مقدار دست نگه دارید. باید بروم التماس کنم که بتوانم بخوانم؟ با اینکه مغزآم خالی است اما برای روزمبادا پیش‌بینی کرده‌ام اگر نتوانستم خوانندگی را ادامه بدهم در همین مغازه شروع به کار کنم. من اهل این حرف‌ها نیستم. اینجا به من یاد دادند که چه کنم. موسیقی جدید موفق نبوده به این دلیل که من و امثال من در اصل بازنشسته هستیم. تمام دنیا به موسیقی مرمی‌بها می‌دهد. اینجا این نوع موسیقی را نداریم. اگر هم موسیقی مردمی داشتیم زمانی از تعدل خواننده می‌شد اما الان مدام با ممیزی روبه‌رو می‌شود و می‌گویند مفهوم ندارد. آهنگ خواننده‌ها به این عبارت: «و مثل طلوع خورشید، گل‌های سرخ‌خی گاهی زردی، تو منگ دو! می‌مونی که واسه شفای دردی. تو خودت زندگی هستی» این یک شعر کوچهبازاری است. «یو مثل معبدی‌ها قدیم چینی، منم اون علاید پی‌ری/ که به عشق تو اسیرم/ مثل اهرام تلاته توی مصری/ که وجودم شده افسون/ تو بیا نذار بمریم/ این یک شعر کوچهبازاری است. آیا اجازه پخش این کار‌ها را می‌دهند؟ همه اینجا داستان دارد. داستان‌های جدید، خیلی خیلی مبثذل است. البته آنساکلی ندارد. تا مردم نخوانند، خواننده نمی‌تواند بخواند؟ می‌خواهمن. من دستگاه‌ها را بلد نیستم اما هم‌رزای که نوازنده بزنند، وفق آن می‌خوانم. نمی‌دانم این ابوعطاس، شور است یا.. این به خاطر عشق است. خیلی‌ها مانند اکبر عبیدی دوره‌ای ندیده‌اند اما بهترین کار‌ها را ارایه می‌کنند. در این کار باید عشق، حاکم باشد. موسیقی ما الان مرده و دیگر طوری نیست که یک کارگر شبکار، بتواند از آن لذت ببرد. در حالی که موسیقی جزئی از قلمون زندگی است. نمی‌دانم چرا موسیقی فراموش شده است. سال‌ها پیش به مناسبت روز مهادر، آهنگ من از رادیو پخش شد. مشغول رانندگی بودم که متوجه‌شدم

موسیقی

بیدل

اجرای حسام‌الدین سراج برای دانشجویان صنعتی شریف

شرق: حسام‌الدین سراج به همراه گروه بیدل درحالی در دانشگاه صنعتی‌شریف به اجرای کنسرت پرداخت که از اجرای خود در محیط دانشگاهی ابراز رضایت کرد.

گروه بیدل به همراه حسام‌الدین سراج که خوانندگی این گروه را برعهده دارد، روز ۲۸ اردیبهشت در سالن ورزشی استاد جباری دانشگاه صنعتی‌شریف حاضر شد و کنسرت برگزار کرد. سراج پیش از برگزاری کنسرت در گفت‌وگو با خبرنگاری مهر درباره دلیل اجرای موسیقی در این مکان گفته بود: «این کنسرت به پیشنهاد انجمن موسیقی دانشجویان داشگاه صنعتی‌شریف برگزار می‌شود و با توجه به اینکه دانشجویان این دانشگاه از علاقه‌مندان پیگیر موسیقی هستند و همواره تلاش زیادی در این عرصه دارند، تصمیم گرفتم اجرائی در این دانشگاه به اهنگسازی رامین کاکاوند داشته‌باشم.»

در این کنسرت به‌جز دانشجویان، سالخوردگان و حتی کودکان نیز شرکت کرده بودند و سالن مملو از جمعیتی بود که برای شنیدن آهنگ‌های گروه بیدل آمده بودند. اولین اجزای این گروه با قطعه «قصه گیسو» و شعری از حافظ با این مصرع شروع شد: «دوش در حلقه ما قصه گیسوی تو بود/ تا دل شب سخن از سلسله موی تو بود.» سراج همچنین در میانه کنسرت خطاب به حضار می‌گوید: «گروه بیدل همیشه بازخورد خوبی از اجرا در دانشگاه داشته و امروز برای ما روز خوبی است.» در ادامه هم، سراج می‌کند. گفت‌وگو با خبرنگار مهر، پیر مغان، قصه گیسو را در کنار آثار گذشته‌ش خود در دستگاه‌های اصفهان، شور، نوا و ماهور اجرا کردند.

البته باید به این نکته هم اشاره کرد که سراج چندی پیش، از سکوت رسانه‌ها گلایه کرده بود: «با وجود بعضی اظهارنظر‌ها که از من به‌عنوان یک هنرمند کم‌کار یاد می‌کنند، باید بگویم من اصلاً کم‌کار نیستم چراکه در ماه‌های گذشته علاوه بر کنسرتی که به مناسبت هفته‌نگارداشت‌اصفهان داشتم و متأسفانه در رسانه‌های مهم آنعلسکی از آن کنسرت ندیدم و هنوز هم دلیل آن را نمی‌دانم، برنامه‌های دیگری داشتم که برگزاری کنسرت «داع» از جمله آن بوده؛ به همین دلیل اگر کمی دقت کنید، می‌بینید که من کم‌کار نیستم و این آنعلکس‌دهندگان اخبار هستند که کمی کم‌کار شده‌اند.»

دوتار خراسان

وداع با هنر مند موسیقی

مقاله‌ی

شرق: در آستانه روز «خیام» استاد موسیقی مقالی در نیشابور دارفانی را وداع گفت. محمدرضا رضادوست، یکی از استادان موسیقی مقالی نیشابور بود که در اثر سکنه قلبی درگذشت. محمدرضا رضادوست متولد ۲۱خرداد۱۳۴۸ در نیشابور بود که زمزمه‌ها و لالایی‌های مادر شد . آشنایی او با استاد خوب‌پورعیبدان زمین‌های برای معرفی‌اش به استادان محمد یگانه، مجتبی قیطلسی بود که

بیشتر به سمت موسیقی مقالی کشیده شد. رضادوست همچنین از شاگردان استاد بزرگ حاج قربان سلیمانی و بخشی ملاغلامحسین افکاری که پیرترین بخشی شمال خراسان است، بود و بعد از اتمام تحصیلات،محل خدمت ایشان شهرستان خواف تعیین شد و این خود فرصتی بود مقتمن که بتواند از محضر استاد عثمان محمدپرست کسب فیض کند. او موسیقی جنوب خراسان را در آنجا خوب درک کرد و باعث شد تا بر تجربیات او افزوده شود. این هنرمند در زمینه تحقیق و پژوهش در موسیقی خراسان فعالیت می‌کرد و کتابی را نام «بخشی‌نامه» نوشته است که در دست چاپ است. او در سطح شهر به عنوان نوازنده و مدرس دوتار سبک شمال خراسان فعالیت می‌کرد. پیکری پس از تشییع‌باششکو در قطعه هنرمندان بهشت فضل نیشابور آرام گرفت.

نغمه کوبان

کامبیز گنجه‌ای، نوازنده:

به «تنبک» کم لطفی شده است

مرتضی آقاباقری

کامبیز گنجه‌ای به تک نوازی‌های استادانه تنبکش شهره است؛هرچند که در کنار نوازندگی هیچ‌گاه از تدریس و آموزش غافل نبوده. متولد یازدهم خرداد ۱۳۴۷ در تهران است و اصول اولیه و شناخت موسیقی را نزد پدرش «داوود گنجه‌ای» آموخت و نزد «صمودفرهمند»به‌فراگیری ساز تنبک پرداخت. در ادامه از محضر استادانی چون ناصر فرهنگ‌فر و بهمن رجعی استفاده کرد. در سال ۱۳۶۶ کار تدریس در مرکز حفظ و اشاعه موسیقی و همکاری با مرکز موسیقی صدا و سیما را آغاز کرد. او تاکنون کنسرت‌های متعددی در داخل و خارج از کشور همراه با گروه‌های سماع، مولانا، صبا و… داشته و با هنرمندانی ازحمله‌فردیون شهبازیان، کامبیز روشن‌روان، محمدجواد فریابیان، اردشیر کامکار، همایون شجریان، شهرام ناظری، مسعود شعاری، صدیق تعریف، جلیل عندلیبی، مهرداد دلنوازی، حسین فرهادپور، حسین پهریزی‌نیا، سعید فرج‌پوری، حسن یوسف‌زمانی و…در زمینه ضبط آلبوم و اجرای کنسرت همکاری داشته‌است. از جمله آثار منتشر شده‌وی می‌توان به ضرب آذر، گروه‌نوازی تنبک و نقاره و نغمه کوبان اشاره کرد و نوازندگی او را می‌توان در آلبوم‌های بی‌غبار عادت، ناشکیبا، نسیم وصل، با ستاره‌ها، کوهستان، زهی عشق، نیلوفر آناه، زیباترین، ناز نگاه، یاد استاد، عطر سوسن، دست‌افشان، یادستان، شوق دوست، آتش عود، یاد بی‌برگی، دیار مهر و…شنید. او در حال حاضر نیز در آموزشگاه موسیقی گنجه‌ای به تدریس و فعالیت موسیقایی می‌پردازد. این گفت‌وگو درباره فعالیت‌های گنجه‌ای در زمینه تنبک است.

✎ **تنبک نوازی معاصر را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

تنبک‌نوازی امروز، پیشرفت قابل ملاحظه‌ای نسبت به گذشته داشته و مسلماً نوازندگان نسل جدید این ساز، بهره وافر ی از روش‌های پیشینیان برده و طی سال‌ها تلاش در جهت بهبود و ارتقای سطح کیفی این ساز، قدم‌های موثری برداشته‌اند.

✎ **نگاهتان در زمینه جایگاه تنبک در موسیقی ایران چیست؟**

تنبک نقش بسیار مهم و موثری در موسیقی ما دارد و با تلاش و کوشش فراوانی که نوازندگان این ساز از گذشته تاکنون انجام داده‌اند، جایگاه خوبی در موسیقی ایرانی پیدا کرده است ولی متأسفانه این ساز همواره از نظر آهنگسازان موردکم لطفی قرار می‌گیرد.

✎ **معنوان هنرآموز و مدرسی‌که از ۱۳۶۶ تاکنون به تربیت هنرجویان می‌پردازد، هنرجویان فعلی را چگونه می‌بینید؟** بسیار عالی. با فراهم شدن امکانات مناسب‌تر نسبت به گذشته و انتشار کتاب‌ها و آثار مختلف، مسلماً شرایط برای فراگیری بهتر شده ولی این نکته را نباید فراموش کرد که از قدیم علاقه‌مندان واقعی و عاشقان این ساز تمامی سختی‌ها و کاستی‌های آن را به جان خریده و با پشتکار و ممارست به نتیجه مطلوب می‌رسیدند. ولی عده‌ای هم هستند که با فراهم شدن تمامی این امکانات باز به دنبال شرایط سهل‌تر و ساده‌تر هستند و به قولی می‌خواهند ره صدساله را یک‌شبه بیمایند.

✎ **با توجه به دو شیوه نت‌نگاری در ساز تنبک، یعنی شیوه سه‌خطی و یک‌خطی، نظر تان در مورد این دو شیوه نت‌نگاری چیست؟**



نحوه نگارش نتهای تنبک که از گذشته تا به امروز مورد استفاده قرار گرفته است، در هر دو شیوه جوابگوی نیاز اساتید و هنرجویان بوده و هدف اصلی را که حفظ و ثبت ریتم‌های این ساز است، تأمین کرده و طی چندین سال مورد قبول قرار گرفته است.

✎ **نظر تان درباره استفاده از سازهای بومی ایران یا برخی از سازهای کوبه‌ای غربی در ارکسترهای موسیقی ایرانی چیست؟**

استفاده صحیح و مناسب از سازهای کوبه‌ای، چه از نوع بومی و چه از نوع غربی می‌تواند تأثیرات مثبتی در مسمیر پیشرفت و تکامل موسیقی ایرانی داشته باشد که البته به سلیقه و نوع به‌کارگیری آن نیز بستگی دارد.

✎ **تاکنون آثار بسیاری از شما به همراه وحید اسداللهی (نوازنده نقاره) منتشر شده است. آیا برای این همکاری برنامه ویژه‌ای دارید؟**

همکاری من با آقای اسداللهی به دوستی ما از سال‌ها پیش تاکنون برمی‌گردد. در این سال‌ها ما خیلی با هم ساز زدیم و با روحیات یکدیگر آشنا می‌شویم. این بافت می‌شود که هر کاری را انجام ندیم.

✎ **آینده تنبک و تنبک‌نوازی را چگونه ارزیابی می‌کنید؟**

آینده بسیار خوب و روشنی برای این ساز می‌بینم چراکه از نظر تکثیر آثار موسیقایی متنوع و اجراهای مختلف پیشرفت‌های خوبی صورت گرفته و در مورد این ساز هم اتفاقات خوبی افتاده است ولی متأسفانه آثار صوتی کمی در ارتباط با این ساز به صورت تنه‌ها در بازار وجود دارد چرا که متأسفانه شرکت‌ها و موسسات فرهنگی که به نوعی ارایه‌دهنده بخشی از این خوراک فرهنگی جامعه هستند، ذایقه مردم را به سمت کار‌های با کلام سوق می‌دهند و بیشتر سرمایه‌گذاری خود را روی کار‌هایی باکلام متمرکز می‌کنند. این درحالی‌است که فعالیت فرهنگی باید به‌گونه‌ای باشد که تمامی سلیاق مختلف را دربرگیرد و صرفاً به بازگشت سرمایه منتهی نشود.

✎ **بازار، عناصری در خود دارد. مثلا وقتی می‌گوییم بازار تهران یا اصفهان**